

روح چیست؟

براستی روح چه معنا دارد؟ آیا تا بحال به این سؤال فکر کرده اید. اگر به کتاب لغتنامه انگلیسی به فارسی مراجعه کنید. معانی متفاوتی از روح مشاهده می کنید. مثل روح، جان، روان، شبح، جن و الهام ... اگر به لغتنامه آلمانی به فارسی مراجعه کنید. باین کلمات برخورد می کنید. مثل معنویت، روحیه، ذهن، هوش، جاندار و روان و با مراجعه به کتب ادبی و یا هر کتابی امثال آنها در باره روح. نه تنها از روح چیزی متوجه نمی شوید. بلکه بیشتر از قبل گمراه و سرگردانتر میشوید. به دلیل اینکه مولفین این نوع کتابها هم از روح اطلاعی ندارند، و نمی توانند به ما کمک کنند. کلمه روح در ادبیات ما با ترکیبهای مختلفی استفاده شده است. در همه ادیان معتبر جهان هم، از آن بارها و بارها نام برده شده است. بخاطر همین بنظر همه ما خیلی آشنا می آید، ولی با وجود این آنرا نمی شناسیم.

بطور روزمره و عامیانه ما کلماتی مانند، روح پاک یا روحش شاد، یا عذاب روحی و یا کلماتی امثال این را استفاده میکنیم. بدون اینکه متوجه باشیم، که ما در باره چه کلمه والائی صحبت می کنیم. و هیچکس هم که تا به حال نتوانسته است آن را ببیند، یا لمس کند. همه اطلاعات ما از یکسری کلمات نا مفهوم و بی محتوا تشکیل شده است. و از نقل و قول کردن این کلمه هیچگونه بیم و هراسی هم نداریم. همچنین در نمایشهای درام و کارهای هنری از روح به عنوان شبح و یا جن استفاده می کنیم. فقط برای ترس، یا خنده بیننده، آنرا بکار می بریم. در بسیاری از ادیان، از روح برای ترساندن معتقدین به آن دین استفاده می کنند. در بعضی از ادیان معتبر جهان، روح بعد از مردن، مطرح و شناخته می شود. مثل آنکه گفته شده است، که روح در شب اول قبر به کالبد مرده بر می گردد، و مرده را برای مدتی زنده می کند، تا بتواند آن شخص به سؤال و جواب ملکه شب اول قبر جواب بدهد، و جواب کارهای نیکش (ثوابها) و یا اعمال بدش (گناهانش) را بگیرد و روح در آن موقع قضاوت می شود.

بعد از آن روح ما باید منتظر بماند تا در روز قیامت همراه با جسم ما که دو باره متولد شده به بهشت و یا جهنم برود. البته این تعریفی است که به ما ارث رسیده است. ولی نکته قابل توجه این است که، ما قبل از

مردن از روح هیچگونه اطلاعی نداریم ، ولی بعد از مردن با روح خودمان روبرو می شویم. بوداییان معتقدند که روح از مملکتی به مملکتی دیگر حرکت می کند، و شخص مرده که، روح از آن جدا شده است ، در جسم نوزاد دیگری حلول می کند و دو باره به زندگی نو در کالبد جدیدی ادامه خواهد داد و از نظر دین هندو ، روح نوری است که از حضرت شیوا (یکی از خدایان) به بدن هر کس منعکس میشود . ولی بعد از مطالعه کردن روح در ادبیاتها و ادیان مختلف برای همگان واضح و آشکار است، که هیچکدام با روح آشنا نیستند. نمیدانند که روح یعنی چه ، و دلیل بزرگ آن، خود ما هستیم . که خودمان را نمی شناسیم . و اگر ما قادر به خودشناسی باشیم . روح به خودی خود شناخته میشود و نیازی به کاوش و تحقیقات در ادیان مختلف نمی باشد . ما در جهان با میلیونها تعریف روبرو هستیم .

ولی باید بدانیم که فقط یکی از آنها حقیقت است . حقیقت این است که ما باید به دانشی برسیم که بفهمیم که ما روح هستیم . من و شما و همه انسانها روح هستیم. نه آن جسمی که ما آن را مشاهده میکنیم. نکته قابل اشتراک در همه ادیان معتبر جهان این مطلب می باشد، که محل استقرار روح در قلب هر انسان می باشد . بدن ما حامل و نگهدارنده و مرکب و یا معبد روح می باشد ،همان روحی که خداوند در قلب ما مستقر کرده است . اما در قرن اخیر در باره بدن، و این معبد، تحقیقات بسیاری بعمل آمده است و مطالعات زیادی در باره آن شده است . در مورد بدن پزشکان بهتر میتوانند اطلاعات لازم را در اختیار شما عزیزان قرار بدهند، چرا که ادامه این مطلب ، راجع به بدن در بحث ما نمی گنجد ، برای شناخت روح، ما نیاز به وسایلی داریم ، مثل بررسی یک کشور، که نیاز به نقشه مورد نظر داریم . با داشتن نقشه آن کشور می توانیم. به مشخصات آن آشنا شویم. یعنی نقشه ، عامل شناسائی آن کشور میباشد. مملکت روح ، یا شناسائی مکان روح ، نیاز به یک عامل (نقشه) دارد، که آنرا بشناسیم.

آن نقشه راهنما و هدایت کننده ما چیزی نیست. جز کندالینی که در مبحث کندالینی آن را مفصلاً توضیح داده ایم. ولی در این قسمت باید گفت که از برکت حرکت کندالینی در هر شخص و با پیوستن به روح و روان ، در بدن ما هیجان و ارتعاشی به بار می آورد. و یک لرزش و یا یک ارتعاش ملایمی اندام ما را در بر می گیرد . در این حالت انسان مثل یک پرنده احساس سبکی کرده و می خواهد به کهکشان پرواز کند، و به همه

انسانها نوید آزادی و پیوند روح و جسم را برساند. در این حالت است که شما با روح خودتان آشنا می شوید، و یواش یواش متوجه خواهید شد که روح به شما کمک خواهد کرد. که چگونه بتوانید بدنتان را در کنترل خود درآورید، و توسط آن هدایت خود را به دست بگیرید . با برخورد و با آشنائی با عکس العمل های بدن خودتان متوجه میشوید. زمانی که شما با روح خود پیوند پیدا کنید ، بدن شما از جمله دستان شما گواهی خواهند داد، که آیا شما با روح خودتان و یا با خالق خودتان ارتباط دارید یا نه ؟ این گواهی نشانگر روح میباشد. که شما به آن ملحق شده اید و معنای روح را عملاً احساس میکنید .

دیگر نه در کتابها و نه در فرهنگها و در مذاهب به دنبال آن نمی گردید، بلکه خودتان با آن آشنا شده اید و با آن برخورد کرده اید و با آن عملاً ارتباط برقرار می کنید. در زندگی روزمره، روح خودتان، رابط شما، و خداوند و کل کائنات خواهد بود و روح همیشه به شما کمک خواهد کرد که به سئوالاتی که توسط تفکر و علم خودتان که تا بحال به آن نرسیده اید و همیشه بدون جواب مانده است بدست بیاورید ، و به آرامشی برسید که میلیونها انسان در پی آن هستند . امیدواریم با این مطلب چکیده در باره روح، توانسته باشیم گوشه ای از سوالهای شما را در این باره جواب داده باشیم. که واقعاً جای بحث بسیار دارد. ولی متأسفانه امکان بحث کلی را در این صفحه را نداریم. امیدواریم شما متوجه مفهوم روح شده باشید و به آن به صورتی بنگرید که واقعیت دارد، نه آنکه به ما گفته اند.